

کتاب در یک نگاه

تصویر اسلام در رسانه‌های گروهی غرب

• ترجمه و تلخیص: علی‌علی محمدی



■ صورة الاسلام في الاعلام الغربي

■ د. محمد البشاري

■ دمشق: دار الفكر، چاپ اول، ۲۰۰۴ م، ۱۷۶ ص

گرچه تحریف و مخدوش‌سازی چهره اسلام و مسلمانان در رسانه‌های گروهی و تبلیغاتی غرب، پدیده جدیدی نیست و حتی این مسئله از دهه بیستم قرن گذشته میلادی در صنعت سینما و فیلم‌سازی غرب نیز نمایان شد، حوادث یازدهم سپتامبر برای این رسانه‌ها فرصت مناسبی بود تا تصویر گمراه‌کننده‌تری از اسلام عرضه دارند و آن را با خشونت و تروریسم همسو و با نوگرایی مخالف قلمداد کنند.

هجوم فرهنگی بر ضد مسلمانان و اعراب، به شکلی روشمند و از طریق کتاب‌های درسی و آموزشی، سینما، تئاتر، کاریکاتور و مقالات روزنامه‌نگاران تداوم یافته است.

وحشت و هراس از اسلام و مسلمانان چنان در جوامع اروپایی ریشه دوانده که مؤسسه‌ای در بریتانیا برای بررسی و بازنگری اسلام در رسانه‌های گروهی بریتانیا و پژوهش درباره پدیده اسلام هراسی (Islam Phobie) ایجاد شده است. این امر بر خطرناک شدن پدیده‌ای تأکید می‌کند که رفتار و اقدامات سوء و غیراخلاقی برخی از مسلمانان افراطی در کشورهای اروپایی آن را حادث می‌سازد و وسایل ارتباط جمعی اروپا از این اقدامات و رفتارها برای تحریف و مخدوش کردن اسلام بهره‌برداری تبلیغاتی می‌کنند. به گونه‌ای که غربیان «اسلام هراسی»

فصل‌های یازدهم تا آخر به بررسی و تحلیل کتاب‌های محمود پسیخانی (میزان و مفاتیح الغیوب) اختصاص دارد. درست است که کتاب میزان مهم‌ترین اثر محمود پسیخانی نقطوی است، اما در درجه بعد مفاتیح الغیوب قرار می‌گیرد که البته پیش از میزان نوشته شده است. انسان‌شناختی محمود پسیخانی در مفاتیح الغیوب به معنی انسان است. پس مفاتیح الغیوب اساس نظریات انسان‌شناختی محمود خواهد بود.

اغلب مطالب این کتاب همان عرفان نقطوی است که نسبت به عرفانیات معمول جنبه غیرعادی دارد. هرچند محمود در این کتاب به شیخ عربی استناد می‌کند و از تأویلات وی برای جا انداختن مدعیات خود سود می‌جوید، وی را نمی‌توان عارفی از مکتب ابن عربی به حساب آورد. او با نظر به طبیعات، اصل را چهار عنصر می‌داند و بس؛ چنان که گوید: «کلیت سماوات و مافی السماوات همین نقش آب و خاک و باد و آتش است» و همچون ایران قدیم و هراکلیتوس یونانی چهار عنصر را هم به آتش برمی‌گرداند: «سه عنصر سبب ظهور نقش آتش اند و بس» (ص ۱۷۹).

درباره «اعیان ثابته» که ابن عربی نوعی هستی که ثبوت نامیده می‌شود (نه وجود) برای آن قائل است محمود بایستی آن را ذاتی موجودات انگاشته باشد که لازمه همان قدیم بودن عناصر اربعه خواهد بود و پروردگاری یعنی پرورش موجودات در همان است.

همچنین در فصل یازدهم به دیگر عقاید وی در این کتاب از جمله حشر، سزا و جزا، معاد، تناسخ و... نیز به ویژگی سبک‌نگارش و فکری کتاب اشاره و نمونه‌هایی از عبارات کتاب آورده می‌شود.

فصل‌های دوازدهم، سیزدهم و چهاردهم مقالاتی است که کتاب میزان را بررسی می‌کنند. در این فصل به طور کوتاه ویژگی‌های ادبی و نگارشی و اعتقادات و باورهای پسیخانی در موضوعات مختلف مطروحه در این کتاب و نیز برخی عبارات کتاب نقل می‌شود.

در پایان این سطور ذکر این نکته خالی از فایده نیست که با وجود ارزشمندی کتاب، که پیشتر اشاره شد، همان‌طور که نویسنده مقدمه کتاب (رسول جعفریان) نیز اشاره می‌کند از آنجا که بخش‌های مختلف کتاب حاضر پیش از این به صورت مقالات در برخی از مجلات معتبر علمی به چاپ رسیده است، به نظر می‌رسد که میان این بخش‌ها ارتباط و پیوستگی کاملاً طبیعی وجود ندارد. گاه در این مقالات که بدون تغییر در این مجموعه گردآمده است، مطالب تکراری نیز دیده می‌شود.

از آنجا که این اثر به سبک کتاب‌های معمول نیست و فصول آن مستقل از یکدیگر است، بهتر بود این اثر ارزشمند را مجموعه مقالاتی درباره جنبش نقطویه می‌نامیدند.

اروپاییان را به اسلام جویا می‌شوند و به بحث درباره آن می‌پردازند و این گروه از تازه مسلمانان را افرادی می‌دانند که مسیحیان متدینی بودند. در بحث بنیادگرایی نیز برخی از مطبوعات میان افراط گرایی دینی و جنبش دینداری - در مفهوم کلی آن - خلط کرده و با تأکید بر برخی از نقاط منفی نظیر غلو، تندروی، سخت گیری و خشونت گرایی از سوی گروه‌های افراطی، آنها را همسو با دیگر مسلمانان و اسلام واقعی قلمداد می‌کنند. از سوی دیگر پژوهشگران منصف و میانه رویی نیز هستند که تأکید بر جنبه‌های منفی برخی مسلمانان را بدون در نظر گرفتن و بیان جنبه‌های ارزشی مسلمانان، رد می‌کنند.

نویسنده در بحث خود درباره مواضع رسانه‌های فرانسوی، چهار مسئله مهم سلمان رشدی، حجاب اسلامی، زن در اسلام و جهاد را در جامعه فرانسه بررسی می‌کند و دروغ پردازی‌ها و افتراءات مطبوعات و دستگاه‌های تبلیغاتی فرانسه را درباره این مسائل نقد و بررسی می‌کند. روش‌های تبلیغاتی جذاب، تیتراها و عنوان‌های چشمگیر و مطالب و نوشته‌هایی که به روش‌های مختلف واقعیت‌ها را وارونه منعکس می‌کنند از جمله موضوعات مورد نقد نویسنده در بخش رسانه‌های گروهی فرانسه است.

نویسنده درباره رسانه‌های گروهی بریتانیا نیز معتقد است، تصویر اسلام در الگوی بریتانیایی رسانه، با تصاویر اسلامی در کشورهای اروپایی دیگر تفاوت ندارد و دستگاه‌های تبلیغاتی و مطبوعاتی بریتانیا، اسلام را دین بدوی و تروریستی وصف می‌کنند و از نگاه آنان، اسلام دینی است که با تمدن و فرهنگ مخالف است.

نویسنده همچنین مطبوعات و رسانه‌های گروهی ایالات متحده و اسپانیا و ایتالیا را بررسی می‌کند و اظهارات برخی از مقامات نظیر برلوسکونی (نخست وزیر ایتالیا) و نیز مقالات برخی از روزنامه‌نگاران چون اورینا فالاجی، پدرو مونتاویث، لوپس وینا، گوستاو آریستیکی و دیگران را تحلیل می‌کند.

واقعیت‌های اقلیت‌های مسلمان بعد از یازده سپتامبر و بررسی نمونه‌ای اقلیت مسلمان فرانسه از این اقلیت‌ها از دیگر مباحث کتاب حاضر است. مؤلف درباره این موضوع که تصویر اسلام و مسلمانان بعد از حوادث یازده سپتامبر چگونه شده است گونه‌های مختلف تحریف و مخدوش سازی اسلام و مسلمانان را از سوی برخی صاحبان رسانه‌ها و نویسندگان آنها آورده و به بررسی و تحلیل آنها می‌پردازد. وی بیان می‌کند، کینه و خصومت آنها به حدی رسیده که خواستار نابودی نمادهای اسلامی شده‌اند. خطرناک‌ترین مسئله‌ای که برخی از این رسانه‌ها به آن روی آورده‌اند، طرح موضوع «شرارت دشمن» است - که در اینجا مقصود از دشمن، اسلام و مسلمانان است و هدف از این رویکرد، گرفتن صفت انسانیت از این دشمن است، به گونه‌ای که قوانین و مبانی حقوق بشر جهانی در معادله روابط با این دشمن نادیده

را امری بهنجار و عادی تلقی می‌کنند که سزاوار عذاب و جدان و نکوهش نیست. تحریف اسلام که از سوی رسانه‌های غربی تشدید می‌شود، به روش‌های مختلف صورت می‌گیرد که می‌توان در این موارد خلاصه کرد: مبالغه در شمار گروندگان غربی به اسلام، تأکید بر رسیدن آنان به مقامات بلند پایه برای اعلام خطر به جامعه، تکرار مکرر و بدون توجیه حوادث ناگوار منسوب به مسلمانان؛ خلط میان اسلام و دینداری و جریان‌های تندرو موسوم به بنیادگرایی؛ استفاده از عناوین تحریک آمیز و تعبیر غیر واقعی درباره مسلمانان نظیر ستون پنجم، اسب ترووا، بربر وحشی، بمب اسلامی و نظایر آن؛ تأثیر گذاری بر مخاطب غربی با سوء استفاده از عدم شناخت او از اسلام؛ کنار گذاردن و حذف تحلیلگران منصف از تفسیر و تحلیل حوادث.

پروتوایتیان در این باره می‌نویسد: «رسانه‌های گروهی فرانسه ترس و نگرانی از حجاب اسلامی، افراطی گری اسلامی و تروریسم را تبلیغ می‌کنند تا از طرح پرسش‌ها درباره واقعیت‌های جامعه فرانسه که همه از آن آگاه‌اند یعنی بیکاری و گسترش اعتیاد به مواد مخدر جلوگیری کنند.» تصویر اسلام در رسانه‌های گروهی غربی که کتاب حاضر - با استناد به مطالعات و پژوهش‌های عملی و نمونه‌ای که موضوعات و مسائل مشخصی را در رسانه‌های گروهی یا اسناد معینی را در دوره‌های زمانی مختلف بازبینی و بررسی کرده است - آن را عرضه می‌کند، تصویر تاریک، تحریف شده و جعلی از اسلام و مسلمانان و عرب‌ها است که نمی‌توان آن را فقط به جهل و عدم آگاهی یا فقدان تصویری روشن از اسلام نسبت داد. این تصاویر، تحریف آگاهانه و تجهیل روشمندی از ماهیت اسلام، نصوص آن و رفتار مسلمانان منعکس می‌کند. بنابراین، مشکل و چالش حاضر فقط ناشی از حوادث اخیر که به «تروریسم» موسوم شده نیست، بلکه ریشه‌های تاریخی، فرهنگی، تمدنی، دینی و سیاسی دارد. خاطره جنگ‌های صلیبی، استعمار غرب، شرق شناسی و جنگ‌های معاصر، نمونه‌هایی از انگیزه ارائه تصویر تحریف شده و مخدوش از اسلام و مسلمانان است که رسانه‌های گروهی غرب آن را دامن زده‌اند.

نویسنده در بحث بازتاب تصویر اسلام در رسانه‌های گروهی آلمان، دیدگاه صدر اعظم سابق آلمان هلموت اشمیت را بیان می‌کند. به اعتقاد وی مشکل در این نکته نهفته است که نگاه صحیح به اسلام از سوی فرد مسیحی غربی مبهم و ناکافی است. زیرا اگر در برخی از کشورهای اسلامی خشونت صورت می‌گیرد، این مسئله در شکل مسیحی آن نیز در ایرلند، منطقه بالکان و نیز خشونت یهودی - اسرائیلی در خاور میانه اتفاق می‌افتد. برخی از مطبوعات آلمان تصاویر واقع بینانه‌ای از اسلام و ارزش‌های آن ارائه می‌دهند و برخی از رسانه‌ها، به بهانه نفوذ مسلمانان در مناصب و مسئولیت‌های مهم، ترس و وحشت از اسلام را در میان اروپاییان ترویج می‌کنند. مطبوعات دیگر علل گرویدن بسیاری از

کتاب در یک نگاه

حکمت و معنویت

• مریم السادات سعید واقفی



■ حکمت و معنویت

■ بخشعلی قنبری

■ نشر معارف، ۱۳۸۳

چنانچه از عنوان کتاب نیز برمی آید مباحث حکمی و عرفان از جمله عرفان، روابط انسانی با دیگران و پاسخگویی از دیدگاه نهج البلاغه در این اثر بررسی شده است. با خواندن این کتاب یک گام به وادی عرفان نزدیک تر می شویم چه، دو بخش اول کاملاً به مباحث عرفانی مربوط است. اما بخش سوم در واقع صیغه کاملاً حکمی در حوزه حکومت دارد.

روش کتاب، توصیفی و تحلیلی و یکی از اهداف نویسنده آشنا ساختن مخاطبان با عرفان نهج البلاغه است. کتاب در یک مقدمه و سه فصل سامان یافته است.

در فصل اول نویسنده علاوه بر عرفان نهج البلاغه به مباحثی مانند اختلافات اساسی مکتب عرفانی نهج البلاغه با مکاتب دیگر، خداشناسی فطری - عرفانی نهج البلاغه، انسان شناسی، تعریف انسان و اهمیت انسان شناسی، انسان کامل در نهج البلاغه و نیز مقامات و احوال پرداخته است. از این میان به دو موضوع انسان کامل در نهج البلاغه و مباحث مقامات و احوال

گرفته شده و حذف شود. در مجموع طبق دیدگاه مؤلف رسانه های غرب در فعالیت های ضد اسلامی خود بر سه محور تأکید می کنند که از این قرار است: ۱. نگاه به فرد مسلمان به منزله دشمن غرب و اروپا؛ ۲. تبلیغ ارزش های اسلامی که متعارض و مخالف با ارزش های تمدن های غربی است؛ ۳. تبلیغ برخی فعالیت ها و رفتارهای مسلمانان که ارتجاع، تقدس مآبی و تروریسم را ترویج می کنند.

نویسنده در بررسی و نقد اقدامات مسلمانان، نهادها و کشورهای اسلامی در مقابله با این رویکردهای رسانه های غربی، معتقد است که این ذهنیت ها و زمینه ها باید انگیزه و مشوقی برای تصحیح تصویر منفی ترسیم شده از سوی غربیان و نیز درک و احساس مسئولیت در مقابل حوادثی باشد که رخ می دهد. اما عجیب است که با وجود این درک و بینش، اقداماتی برای تغییر و تصحیح آن صورت نمی گیرد و شاید یکی از علل این بی تفاوتی و اقدام نکردن، فقدان عناصر گفتمان تبلیغی به روز از اسلام باشد که با غلبه بر وجه افتراق و احساسات عاطفی می توان مکتب نسبی گرایی از اسلام را در تعامل با مسائل روز و تمام گروه های انسانی پایه گذاری کرد و ضروری است که درباره گفتمان اسلامی، دیدگاه و موضع کامل و جامعی اتخاذ شود.

مؤلف برای رسیدن به این مرحله و بازنگری و بررسی تصویر اسلام در شبکه های تبلیغاتی غرب، راهبردها و اقداماتی را طرح و پیشنهاد می کند که مهم ترین آنها را می توان در این موارد خلاصه کرد: ۱. فراخوان کنگره اسلامی از گروه ها، سازمان ها و شخصیت های تأثیرگذار و متخصص در این امور برای پایه گذاری روش هایی به منظور مقابله با تبلیغات مغرضانه و کینه توزانه غرب نسبت به اسلام؛ ۲. حمایت از ایجاد روابط با نمایندگان اقلیت های مسلمان اروپا؛ ۳. اقدام سریع برای پاسخ به شبهات و افتراءات و دروغ پردازی های رسانه های غرب نسبت به اسلام و مسلمانان؛ ۴. اهمیت فتح باب گفت و گو با مراکز مهم و تأثیرگذار به منظور برنامه ریزی و تصمیم گیری؛ ۵. درک گفتمان جهانی معاصر و چگونگی دفاع از اسلام و مسلمانان از این طریق.

در پایان این نکته گفتنی است که اگر کتاب حاضر، سندی باشد که رسانه های گروهی غرب را به دلیل بررسی مغرضانه و جانبدارانه مسائل مسلمانان محکوم می کند، تصویری که ارائه می کند از دو جهت مسلمانان را به صورت شدیدتری محکوم می کند؛ نخست اقدامات و رفتارهای برخی مسلمانان که زمینه ساز بروز حوادث و در نتیجه تحریف اسلام از سوی غربیان شده اند و دوم ناتوانی مسلمانان از تصحیح تصاویر مخدوش و غیر واقعی که از اسلام به رغم گذشت زمان طولانی از آن و وخیم تر شدن آن به وجود آمد.

منبع: الحیاه (لندن) ۲۰۰۵/۳/۵

تشرین (دمشق) ۲۰۰۴/۱۱/۹